

یادداشت



مرد م با پلیس علیه کرونا همکاری کند

■ **سردار حمیدهداوند، جانشین فرمانده انتظامی تهران بزرگ** طرح فاصله گذاری اجتماعی شامل برنامه‌های جامعی است که از جانب دولت‌ها و ستادهای مبارزه با بیماری کرونا در کشورها بر اساس موقعیت جغرافیایی، جمعیت، میزان امکانات خصوصا در موارد درمانی و پزشکی و حداقل عملکرد دهای لازم برای مهار بیماری در محیط‌های مختلف با آب و هوای گوناگون و تراکم جمعیتی هر کشور تهیه و تنظیم و دستورالعملی ضروری برای اجرا تبدیل شده است.

تهیه و تنظیم و اتخاذ دستورالعمل‌های لازم با توجه به امکانات در دسترس و همچنین قابلیت‌ها در این نوع طرح‌ها تنها قسمت کوچکی از برنامه‌های طرح برای رسیدن به نتایج مطلوب را شامل می‌شود و قسمت اعظمی از اینگونه طرح‌ها که شامل مراحل اجرایی می‌شود از مهمترین بخش‌ها بوده و برای رسیدن به نتایج نهایی، اجرای دقیق دستورالعمل‌ها توسط افراد جامعه رکن اساسی در رسیدن به نتیجه مطلوب است.

قسمتی از مراحل اجرایی بر عهده مسئولان اجرایی، سازمان‌ها و نهادهای دستگاه‌های دولتی و غیردولتی می‌شود و قسمتی دیگر از آن مربوط به شهروندان و همچنین مؤسسات مردم نهاد است و همکاری هر چه بهتر بین این دو با اجرای هر چه دقیق تر طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌هاال تطاب مستقیم دارد. در کشور عزیزمان نیز به سبب به وجود آمدن شرایط ویژه و لزوم اتخاذ تصمیمات قاطع و مؤثر و با سرعت عمل مناسب در رابطه با شیوع بیماری کرونا، لازم بود تا برنامه‌ای جامع برای جلوگیری از شیوع هر چه بیشتر این ویروس منحوس تنظیم شود و همچنین نهادهای مسئول با اطلاع سانی دقیق و به موقع به شهروندان آنها را در جریان نحوه و چگونگی اجرای طرح قرار داده و هر چه بیشتر به همکاری لازم تشویق کنند. خوشبختانه با اجرای این طرح از روزهای پایانی سال گذشته در تمامی استان‌های کشورمان و خصوصا در شهرهایی که بیشتر درگیر این بحران هستند، تا حدودی شاهد کنترل این بیماری بودیم. اما متأسفانه با پایان یافتن تعطیلات نوروزی از میزان همکاری شهروندان کاسته و عده‌ای با عدم توجه به دستورالعمل‌ها و ضوابط تعیین شده توسط کمیته مبارزه با ویروس کرونا، جان خود و دیگر شهروندان را به خطر انداخته‌اند. در صورتی که با توجه به شرایط موجود و یادامه این طرح تا عادی شدن شرایط لازم است تا با رویکرد رعایت حداکثری توسط شهروندان و خانواده‌ها و برای بازگشت کشور به شرایط عادی و ایجاد فضای مناسب برای از سر گرفتن کسب و کارها، همگی به میدان آمده و با تحمل دوره‌ای کوتاه کشور را وارد وضعیت درگیری با بیماری و ایجاد مشکلات فراوان در بلندمدت نکنیم.

بنابراین با توجه به شرایط و لزوم برخورد مناسب با هر گونه خطئی از دستورالعمل‌ها توسط عده‌ای اندک که نسبت به سلامت خود و دیگر افراد جامعه بی تفاوت هستند، پلیس وظیفه خود می‌داند تا زمانی که این بیماری در کشور وجود دارد و همچنین طرح مزبور در مرحله اجرا قرار دارد با هر گونه بی توجهی و عدم رعایت برنامه‌های مؤثر در سلامت شهروندان منقلب کرده و با افرادی بی تفاوت و کسانی که محدودیت‌ها را زیر پا گذاشته و جان شهروندان را به خطر می‌اندازند برخورد لازم را داشته باشد. شهروندان عزیز در جای جای ایران و خصوصا مردم شریف پایتخت نیز لازم است تا با رعایت کامل برنامه‌های طرح فاصله گذاری اجتماعی به پلیس و سایر دستگاه‌های مربوطه کمک کنند تا به فضل الهی و با همکاری یکدیگر بتوانیم از این شرایط عبور کرده و زندگی عادی گذشته را هر چه زودتر برای خود و خانواده خود و خصوصا خانواده بزرگ و ایثار گر کادر درمانی و پزشکی کشور به ارمغان آوریم و مراتب تشکر خود را با همکاری هر چه بیشتر برای ریشه کن کردن این بیماری منحوس به جا آوریم.

مرگ غم‌انگیز پدر و پسر در سد خاکی

مردی که برای نجات پسر نوجوانش خود را به آب زده بود به همراه او غرق شد.

به گزارش جوان سرهنگ اکبر نجفی، فرمانده انتظامی شهرستان بهم گفت: دو روز قبل به مأموران پلیس بم خبر رسید پدر و پسرری در سد خاکی «نسا» غرق شده‌اند. در بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل مشخص شد که پسر بچه ۱۰ ساله کنار سد خاکی در حال بازی بوده که کفش او به داخل آب می‌افتد. زمانی که طفل برای برداشتن کفش خود را به کنار آب می‌رساند به داخل سد سقوط می‌کند. همزمان پدری که شاهد ماجرا بود برای نجات جوانش خود را به آب می‌زند که به علت عدم آشنایی با فن شنا هر دو غرق می‌شوند. سرهنگ نجفی گفت: با تلاش‌های صورت گرفته اجساد از آب خارج و به پزشکی قانونی منتقل شدند.

دزدان موتور سوار دوباره گرفتار پلیس شدند

دو دسارق موتور سوار که بارها به اتهام سرقت بازداشت شده بودند، این بار در تعقیب و گریز با پلیس دستگیر شدند. به گزارش جوان، صبح روز گذشته مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ هنگام گشت‌زنی به رفتار دو موتور سوار که کنار یک خودرو پارک شده توقف کرده و مرد مظنون شدند. بررسی بیشتر نشان داد که ترک نشین موتورسیکلت در حال سرقت لوازم داخل خودرو است که مأموران برای بازداشت آنها وارد عمل شدند. همزمان دو سارق با دیدن خودروی گشت پلیس از محل متواری شدند. بعد از آن بود که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. هر چند مأموران پلیس با شلیک گلوله به سارقان هشدار دادند اما آنها بدون توجه به دستور پلیس به فرارشان ادامه دادند تا اینکه اکب موتورسیکلت تعادل وسیله نقلیه را از دست داد و آنها به زمین سقوط کردند. در حالی که ترک نشین موتورسیکلت دچار مصدومیت شده بود به بیمارستان منتقل شد و مأموران پس از بازداشت راکب و کشف مقادیر لوازم سرقت شده وی را به کلانتری منتقل کردند. تحقیقات اولیه نشان داد که دو متهم از مجرمان سابقه دار هستند که بارها به اتهام سرقت به همین شیوه بازداشت شده و به زندان افتاده بودند. سرهنگ ابراهیم شریفی مقدم، رئیس کلانتری ۱۴۷ گلبرگ گفت: تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دار.

پیرونده مردی که متهم است پس از ربودن

زن جوان او را با اصابت ضربات چاقو تا پرتگاه مرگ کشانده
با اعتراض شاکی به رأی صادر شده بار دیگر بررسی می‌شود.

به گزارش جوان، این پرونده ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۶ مرداد سال ۹۵ به جریان افتاد. روز حادثه مأموران پلیس پایتخت با تماس شهروندی از کشف پیکر نیمه‌جان زن جوانی در بیابان‌های جنوب تهران با خبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه در یافتن لطماتی قبل راننده خودروی پربادی پس از درگیری با این زن پیکر خونین وی را در محل رها کرده و گریخته است. شاهد عینی حادثه که مرد افغانی بود همه ماجرا را به مأموران پلیس و روزانس خبر داده بود. همچنین مشخص شد پیکر نیمه‌جان زن جوان برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

حرف‌های شاهد عینی

مرد افغان به مأموران پلیس گفت: من کارگر کارگاهی در این نزدیکی هستم. لحظه حادثه جلوی در کارگاه ایستاده بودم که دیدم مرد جوانی در حال کتک کاری این زن است. به سرعت به کمکش رفتم اما فاصله‌ام با آنها زیاد بود که مرد جوان با دیدن من سوار خودرواش شد و از محل گریخت. وقتی به زن جوان رسیدم، دیدم با ضربات متعدد چاقو زخمی شده و به سختی حرف می‌زند او فقط شماره تلفن برادرش را به من داد و بعد ی هوش شد.

بدین ترتیب مأموران زاری بررسی بیشتر راهی بیمارستان شدند که در یافتن زن جوان نجات یافته‌است، اما به خاطر ضربات قاطع نصف صورتش فلج شده و علاوه بر رسیدن آسیب‌های جدی به ناحیه شش و شکمش یکی از کلیه‌هایش را از دست داده‌است.



مرد سالخورده که به اتهام قتل

همسرش در بازداشت به سر می‌برد، برای بررسی سلامت روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شد.

به گزارش جوان، متهم که ایوب نام دارد دی‌سال ۹۵ به اتهام قتل همسرش مریم در خانه‌اش در شهر ری دستگیر شد. با اعلام این خبر تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در محل حادثه حاضر شدند و با جسد زن سالخورده که آثار سوختگی روی بدنش نمایان بودن مواجه شدند.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی شوهر آن زن مورد تحقیق قرار گرفت. او به مأموران گفت: «همسرم به تازگی عمل پیوند کلیه انجام داده بود و مدتی قبل نیز به خاطر تصادف پایش شکسته بود. چند روز قبل به شوخی چند لگد به پایش زدم که ناگهان از درد فریاد کشید. به همین خاطر او را به حمام بردم و آب داغ را باز کردم تا شاید کمی از درد پایش کم شود. وقتی از حمام بیرون آمدم چند دقیقه بعد فریادهای همسرم بلند شد به همین خاطر دوباره به حمام برگشتم که دیدم او داخل وان افتاده است و بدنش سوخته است. خواستم او را به بیمارستان برسانم اما قبول نکرد و چند بار پمادهای سوختگی را استفاده کرد. چند روزی گذشت تا اینکه امروز وقتی به محل کارم رفتم پسرم تماس گرفت و گفت مادرش حالش بد شده است. وقتی به خانه آمدم متوجه شدم همسرم فوت کرده‌است.»

در حالی که پزشکی قانونی علت فوت را سوختگی درجه ۳ و ضربه به سر اعلام

سلامت روانی مرد سالخورده بررسی می‌شود

کرد، مرد سالخورده به اتهام قتل همسرش بازداشت شد. آن مرد تحت بازجویی قرار گرفت، اما جرمش را انکار کرد ولی بنا به شواهد و مدارک موجود روانه زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به اتهام قتل عمده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

مرد سالخورده در نوبت رسیدگی به پرونده، در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. او بعد از درخواست قصاص از سوی فرزندان مقتول در دفاع از خود گفت: «بعد از جدایی از همسر اولم با مریم از دواج کردم. او با داشتن چند فرزند از شوهر اولش طلاق گرفته بود. ما سالها بچه‌دار نمی‌شدیم تا اینکه با نذر و نیاز صاحب یک فرزند پسر به نام رضا شدیم.» متهم ادامه داد: «بعد از بازنشستگی حقوقم کم شد. بعد از بازنشستگی حقوقم داشت به مدرسه غیرانتفاعی برود به همین دلیل مجبور بودم با یک ترازی وزن کنشی حوالی حرم حضرت عبدالعظیم بروم و کار کنم. از این شرایط ناراضی نبودم و تنها مشکل رفتار همسرم بود. او بدون اجازه از

جیبم پول برمی‌داشت تا اینکه او آخرین بار ۸۰۰ هزار تومان پولی که روی تخت پسرم گذاشته بودم تا آن را به مدرسه‌اش بدهد برداشته بود. دیگر تحمل نکردم و با او در این مورد صحبت کردم اما او قبول نکرد و طفره رفت.» متهم در خصوص حادثه گفت: «برادر مریم معتاد بود به همین دلیل مشکوک شدم مبادا از برادرش مواد می‌خرد و معتاد شده است. به همین خاطر با او صحبت کردم اما

دوباره پشد. پس از مدتی فهمیدم او قصد

سوءاستفاده از من دارد که دوباره با تطالم را قطع کردم اما پرویز اصرار داشت و از تباطش را قطع نمی‌کرد. مدتی بعد مأموران پلیس، پرویز را بازداشت کردند و ادامه هم پرونده متهم پس از تحقیقات تکمیلی به اتهام اقدام به قتل، آدم‌ربایی و ضرب و جرح برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

زن جوان درباره این حادثه به خبرنگار ما گفت: دوران جوانی زندگی سختی را تجربه کردم به طوریکه ۱۵ سال قبل مجبور شدم با مرد میانسالی که ۱۲ سال از خدوم بزرگتر بود از دواج کنم و در نهایت هم این ازدواج شش‌ماه بیشتر دوام نیاورد و من به خاطر رفتارهای بد همسرم که همیشه عصبانی بود در خواست طلاق دادم و جدا شدم. پس از این در شرکت خصوصی به عنوان منشی شروع به کار کردم و در خانه پدری‌ام زندگی می‌کردم تا اینکه پس از ۱۲ سال تصمیم گرفتم مستقل شوم و به همین خاطر برای خودم خانه‌ای اجاره کردم.

آغاز تنش

وی ادامه داد: زندگی خوبی داشتم اما از دی‌سال ۹۴ با آمدن مردی به نام پرویز در زندگی همه چیز تغییر کرد. روزی در حال برگشت از خانه برادرم بودم که پرویز با خودرواش جلوی راهم سبز شد و من به عنوان مسافر سوار خودرواش شدم. او گفت

که مدتی است مرا از دور و نزدیک زیر نظر دارد و مدعی شد که عاشق من شده‌است و قصد دارد با منم ازدواج کند. مدتی با هم ارتباط داشتیم اما به دلایلی ارتباط را قطع کردم تا اینکه فروردین ۹۵ که همراه دوستم قصد رفتن به شمال را داشتیم خودروی پرویز را کرایه کردیم و همین باعث ارتباط اعتراض کرد.

کشف جسد پسر ۴۸ساله وار پلیس در تفاعات بویراحمد

کار به درگیری کشید. از عصبانیت یک لگد به پایش زدم این شد که پایش درد گرفت و شروع به ناله کرد. بابی تابی‌های او دلم برایش سوخت به همین دلیل او را داخل حمام بردم و او را در وان گذاشتم. سپس آب داغ را باز کردم تا درد باهایش کم شود. ناگهان مریم فریاد کشید. بلافاصله آب را بستم و می‌خواستم او را به بیمارستان برسانم ولی قبول نکرد. تا اینکه چند روز بعد وقتی به سر کار رفتم پسرم تماس گرفت و گفت حال مادرش بد است اما وقتی به خانه رسیدم کار از کار گذشته بود.»

متهم در حالیکه اشک می‌ریخت، گفت: «باور کنید مرگ همسرم یک اتفاق بود و به او ضربه‌ای نزدم. وقتی به زندان رفتم پسرم را به خواهرم سپردم اما او بیماری شوهرش را بهانه کرد و پسرم را به بهزیستی سپرد. فقط یک خانه دارم و حاضرم آن را به جای دیده به فرزندان مقتول بپردازم. در غیر این صورت حاضرم اعدام شوم ولی قضاات اجازه دهند یک روز دیگر کنار پسرم باشم. پسرم همه زندگی‌ام است و تحمل اینکه در بهزیستی باشد ندارم.»

در پایان هیئت قضایی بعد از دستور داد متهم برای بررسی سلامت روان به پزشکی قانونی معرفی شود. همچنین پرونده به دادسرا فرستاده شد تا با تعیین قیم برای فرزند ۱۲ساله متهم در خواست وی به عنوان اولیای دم مطرح شود. به این ترتیب بعد از اعلام نظر کمیسیون پزشکی قانونی و تعیین قیم برای فرزند مقتول، متهم بار دیگر محاکمه خواهد شد.

پرونده خواستگار خوش دوباره ورق می‌خورد

شرح ماجرا از زبان شاکی

زن جوان پس از بهبودی نسبی عامل حادثه را خواستگار سابقش به نام پرویز معرفی کرد و از او شکایت کرد. بدین ترتیب مأموران پلیس، پرویز را بازداشت کردند و ادامه هم پرونده متهم پس از تحقیقات تکمیلی به اتهام اقدام به قتل، آدم‌ربایی و ضرب و جرح برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

زن جوان درباره این حادثه به خبرنگار ما گفت: دوران جوانی زندگی سختی را تجربه کردم به طوریکه ۱۵ سال قبل مجبور شدم با مرد میانسالی که ۱۲ سال از خدوم بزرگتر بود از دواج کنم و در نهایت هم این ازدواج شش‌ماه بیشتر دوام نیاورد و من به خاطر رفتارهای بد همسرم که همیشه عصبانی بود در خواست طلاق دادم و جدا شدم. پس از این در شرکت خصوصی به عنوان منشی شروع به کار کردم و در خانه پدری‌ام زندگی می‌کردم تا اینکه پس از ۱۲ سال تصمیم گرفتم مستقل شوم و به همین خاطر برای خودم خانه‌ای اجاره کردم.

وی ادامه داد: زندگی خوبی داشتم اما از دی‌سال ۹۴ با آمدن مردی به نام پرویز در زندگی همه چیز تغییر کرد. روزی در حال برگشت از خانه برادرم بودم که پرویز با خودرواش جلوی راهم سبز شد و من به عنوان مسافر سوار خودرواش شدم. او گفت

که مدتی است مرا از دور و نزدیک زیر نظر دارد و مدعی شد که عاشق من شده‌است و قصد دارد با منم ازدواج کند. مدتی با هم ارتباط داشتیم اما به دلایلی ارتباط را قطع کردم تا اینکه فروردین ۹۵ که همراه دوستم قصد رفتن به شمال را داشتیم خودروی پرویز را کرایه کردیم و همین باعث ارتباط اعتراض کرد.

افزایش ۵۰ درصدی کشفیات مواد مخدر در نوروز

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر از افزایش ۵۰درصدی کشفیات موادمخدر در تعطیلات نوروزی خبر داد.

به گزارش ایسنا، سردار مسعود زاهدیان، با اشاره به فعالیت مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر در تعطیلات نوروزی گفت: تعطیلات و شیوع کرونا جزو مواردی نبود که باعث کند شدن اجرای مأموریت‌های پلیس شود از همین رو مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر مأموریت‌های قابل توجهی را انجام دادند به طوری‌که کشفیات موادمخدر در کل کشور از ابتدای فروردین‌ماه تا روز هفدهم این ماه رشدی ۵۰ درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل داشت و در مجموع ۳۶تن انواع مواد مخدر کشف و ضبط شد.

سردار زاهدیان بیان اینکه عمده مواد کشف شده از نوع سنتی بود، گفت: یک سوم این مواد در استان سیستان و بلوچستان، کشف و ضبط شده‌است.

انتقام اینستاگرامی از همسر!

مردی که با ایجاد صفحه در اینستاگرام مطالب دروغین علیه همسرش منتشر می‌کرد بازداشت شد.

به گزارش جوان، چندی قبل زنی ۳۴ساله وارد پلیس فتای تهران شد و علیه فردی فریبکار اعلام شکایت کرد. او گفت: مدتی است فردی ناشناس در اینستاگرام صفحه‌ای به نام من ایجاد کرده و مطالب دروغین در آن منتشر می‌کند و آبروی خانوادگی‌ام را برده‌است که درخواست کمک دارم.

تحقیقات بیشتر مأموران پلیس فتنشان داد که این زن از مدتی قبل با شوهرش دچار اختلاف زیادی شده‌است. از آنجا که اختلاف می‌رفت شوهر این زن در جریان حادثه نقش داشته باشد، وی به اداره پلیس دعوت شده و مورد تحقیق قرار گرفت. مرد جوان ابتدا گفت که در جریان حادثه نقش ندارد و نمی‌داند که چه کسی علیه همسرش دروغ پراکنی می‌کند. وی اما در تحقیقات فنی به جرمش اعتراف کرد و گفت: به خاطر اختلاف‌هایی که با همسرم داشتم تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. برای این کار یک صفحه به نامش در اینستاگرام تشکیل دادم و مطالبی دروغین در آن منتشر می‌کردم که گرفتار شدم.

سرهنگ توح کلامی، رئیس پلیس فتا پایتخت گفت: متهم بعد از تشکیل پرونده به مقام قضایی تحویل داده شد.

کشف جسد آقا معلم در ارتفاعات بویر احمد

جسد معلم میانسال که روز ۱۳فروردین ماه ناپدید شده بود در ارتفاعات شهرستان بویراحمد کشف شد.

به گزارش ایسنا، ۱۳فروردین‌ماه بود که اعضای خانواده‌ای در شهرستان بویراحمد گم‌شده معلم ۴۸ساله را به پلیس گزارش دادند. آنها گفتند که آقا معلم برای تفریح راهی ارتفاعات اطراف شده و دیگری به خانه برگشته و به تماس هایشان هم جواب نمی‌دهد. بعد از آن بود که تلاش امدادگران برای پیدا کردن معلم به جریان افتاد تا اینکه روز گذشته جسد وی در ارتفاعات نرمام بویراحمد پیدا کشف شد. جسد برای بررسی علت فوت به پزشکی قانونی منتقل شد.

مرگ تعمیرکار زیر دستگاه پرس

سقوط دستگاه پرس روی مرد تعمیرکار مرگ وی را به همراه داشت.

به گزارش جوان سرهنگ قیباد خنجری، فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت گفت: این حادثه در یکی از کارخانه‌های منطقه فرودان شهرستان پاکدشت اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس نشان داد که تعمیرکار ۴۹ساله برای تعمیر دستگاه پرس به زیر آن رفته بود که ناگهان دستگاه روی او سقوط کرده و در دم فوت می‌کند. وی گفت: جسد با کمک امدادگران به پزشکی قانونی منتقل شد.

تقلید از «پایتخت» راننده پژو را گرفتار کرد

راننده خودروی پژو که شیشه‌های خودرواش را دودی و اسلحه قلابی حمل می‌کرد مدعی است به تقلید از سبزیال پایتخت این کار را کرده‌است.

به گزارش جوان، دو روز قبل مأموران واحد انتظامی ضبط سرقت شده خودرو کشف کردند. بررسی سوابق سارقان نشان داد که آنها از مجرمان سابقه‌دار هستند که قبلا به اتهام جرائم دیگر بازداشت شده و به زندان افتاده بودند. یکی از متهمان گفت: مدتی قبل مابین باند سرقت را تشکیل دادیم. ابتدا یک خودروی مزدا ۳ سرقت کردیم تا بتوانیم با آن به دزدی برویم. برای اینکه کمتر توجه پلیس را جلب کنیم زنی را هم وارد گروه کردیم و در فرصت‌ها مناسب لوازم داخل خودروها یا گوشی رهگذران را سرقت می‌کردیم که سرانجام بازداشت شدیم.

سرهنگ داوود زندی، رئیس کلانتری ۱۲۰ سیدخندان گفت: براساس اعتراف متهمان در حال حاضر ارزش مالی پرونده ۳۰۰ میلیون تومان است و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر آنها ادامه دار.

